

جایگاه نقد در اطلاع‌رسانی^۱

نوشتهٔ جک اندرسون^۲
ترجمهٔ حجت شجاعی^۳

چکیده

کتابداری و اطلاع‌رسانی حوزه‌ای است که به آموزش کتابداران می‌پردازد. این حوزه با تولید، توزیع، و استفاده از دانش مدون ارتباط دارد. در این میان، نظام‌های سازماندهی دانش یکی از بخش‌های اصلی کتابداری و اطلاع‌رسانی و آکنده از زبان مدیریتی و فنی است. در جامعهٔ متجدد امروز، این نظام‌ها دارای نقش و کارکرد منحصر به فردی هستند که کتابداران باید، به منظور آشکار کردن پیامدهای اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی نظام‌های سازماندهی دانش، به تحلیل انتقادی آنها بپردازند. اما کتابداران معمولاً فاقد نگرش انتقادی هستند. در نوشتار حاضر سعی می‌شود تا مفهوم کتابدار از دیدگاه یک منتقد اطلاع‌رسانی مورد بحث قرار گیرد. این مقاله با مسئلهٔ فقدان منتقد اطلاع‌رسانی آغاز می‌شود و سپس علل نیاز به منتقد اطلاع‌رسانی، ویژگی‌های فردی، و اینکه کتابداران جدید چگونه می‌توانند این مسئولیت خطیر را به نحو احسن انجام دهند، مورد بحث قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها

نقد، کتابداری و اطلاع‌رسانی، نظام‌های سازماندهی دانش، منتقد اطلاع‌رسانی

مقدمه

است که منتقدان مشروعیت^۴ و نقش‌مندی^۵ نظام‌های سازماندهی دانش^۶ چه کسانی هستند. به‌عنوان نمونه می‌توان کتابشناسی‌ها، نظام‌های رده‌بندی، اصطلاحنامه‌ها،

برخی بر این باورند که منتقدان ادبیات یا دست‌اندرکاران نقد و بررسی آثار ادبی، ادبا و نظریه‌پردازان ادبیات هستند. اما سؤال این

1. "Information criticism: where is it?". *Progressive Librarian*, No. 25 (Summer 2005): 1-8.

2. Jack Andersen

۳. کارشناس کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه علامه طباطبایی hojjatshoja@yahoo.com

4. Literary theory

5. Functionality

6. Knowledge organization

دایرةالمعارف، موتورهای کاوش، و در کل نظام‌هایی را نام برد که به طرق مختلف نقش میانجی (واسطه) را در انتقال بخش مدون جامعه و فرهنگ برعهده دارند. چنین نظام‌هایی، ابزارهای حرفه‌ای کتابداران نیز به‌شمار می‌آیند. بنابراین از کتابداران انتظار می‌رود که پیرامون نقش‌ها و کارکردهای نظام‌های مذکور در میانجی‌گری جامعه و فرهنگ بیشتر بحث و اظهارنظر کنند. اما در حوزه عمومی^۷ به‌ندرت می‌توان اثری از نظرات انتقادآمیز کتابداران، که با نظام‌های سازماندهی دانش در ارتباط هستند، مشاهده کرد.

جامعه به مطالعه و شنیدن آثار منتقدان فرهنگ، اجتماع، و ادبیات، که در مورد مسائل اجتماعی و فرهنگی به بحث و تبادل نظر می‌پردازند، عادت دیرینه دارد. چنین نقدهایی تاریخی ریشه‌دار و حامیان پروپاقرصی در جامعه دارد. یورگن هابرماس^۸ در کتاب تحول ساختاری حوزه عمومی بورژوازی^۹ این‌گونه استدلال می‌کند که نقد هنر، ادبیات، فرهنگ، و جامعه در اماکن عمومی از قبیل قهوه‌خانه‌ها، سالن‌ها، و کتابخانه‌ها شکل گرفت و از این رهگذر، مکاتب فکری در قالب انواع محمل‌های اطلاعاتی نظیر مجله‌ها و روزنامه‌ها ایجاد شد (۷). شکل‌گیری و سازماندهی این مکاتب به گونه‌ای بود که باعث پیدایش قالب‌های ارتباطی ویژه با هدف بحث و نگارش پیرامون مسائل اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی

در جامعه شد. به دلیل وجود علاقه و اعتقاد جامعه به مباحث منطقی در حوزه عمومی، اشکال خاص ارتباط با استقبال روبه‌رو شد و به حیات خود ادامه داد. شیوه‌های ارتباط و حوزه عمومی از ماهیتی دیالکتیکی برخوردار بودند. حوزه عمومی جایگاه و فضای شیوه‌های خاص ارتباط را تشکیل می‌داد و از سوی دیگر، شیوه‌های خاص ارتباط در عینیت بخشی و تشکیل حوزه عمومی دخیل بودند. ایده حوزه عمومی بورژوازی هابرماس براین پیش‌فرض استوار است که کلیه شهروندان از حق دسترسی رایگان و مساوی به حوزه عمومی برخوردارند. کتابداران کتابخانه‌های عمومی، دسترسی رایگان عموم افراد جامعه را به اطلاعات فراهم می‌کنند. از این رو می‌توان گفت کتابخانه‌های عمومی بخشی از حوزه عمومی به‌شمار می‌آیند. گرچه این حقیقت را همگان پذیرفته‌اند، اما به‌ندرت می‌توان مشارکت کتابداران در حوزه عمومی را از طریق بحث یا نگارش پیرامون مسائلی که با آن درگیر هستند و یا عواملی که به نظر می‌رسد دسترسی رایگان به اطلاعات را تهدید می‌کنند، مشاهده کرد. حال که نظام‌های سازماندهی دانش در جامعه امروز نقش و کارکرد ویژه‌ای دارند، از منتقدان آگاه انتظار می‌رود که نسبت به بحث و تبادل نظر پیرامون چنین نظام‌هایی در حوزه عمومی، با هدف آشکار کردن پیامدهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی این نظام‌ها، علاقه نشان دهند. با این حال، تاکنون شواهدی دال بر

7. Public sphere

8. Jürgen Habermas

9. *The structural transformation of the bourgeois public sphere*

وجود چنین نقدهایی مشاهده نشده است. بنابراین باید به دنبال رویکردی با هدف بحث و نگارش در مورد نقش نظام‌های سازماندهی دانش در جامعه و فرهنگ بود. از نظر نگارنده چنین شخصی را می‌توان منتقد اطلاع‌رسانی^{۱۱} (یا متفکر عمومی)^{۱۱}، و چنین فعالیتی را نقد اطلاع‌رسانی^{۱۲} نامید. در این مقاله سعی می‌کنیم تا مفهوم کتابدار را از دیدگاه یک منتقد اطلاع‌رسانی مورد بحث قرار دهیم. این مقاله با نقد «فقدان منتقد اطلاع‌رسانی» آغاز می‌شود. در قدم بعدی علل نیاز به منتقد اطلاع‌رسانی، ویژگی‌های فردی و اینکه کتابداران متجدد چگونه می‌توانند چنین مسئولیت خطیری را به نحو احسن جامه عمل بپوشانند، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

فقدان منتقد اطلاع‌رسانی: فقدان یک رشته علمی

کتابداران و به‌طور کلی مطالعات کتابداری و اطلاع‌رسانی، معمولاً از یک ایدئولوژی یا خود ادراکی متناقض^{۱۳} برخوردار هستند. کتابداران از سویی خود را حامیان دموکراسی، دسترسی رایگان و عمومی به اطلاعات، سواد، و جسارت مدنی^{۱۴} می‌پندارند. بلکه^{۱۵} در این خصوص عقیده دارد:

«علی‌الخصوص کتابداران تمایل زیادی دارند بر ارتباط طبیعی – آن‌گونه که مد

نظر آن‌هاست – بین رسالت تاریخی‌شان در دموکراتیزه کردن اشاعه دانش و گسترش دسترسی به اطلاعات – که ماحصل رقومی ساختن اطلاعات است – تأکید ورزند» (۳: ۶۳-۸۰).

اما به دلیل فقدان آشکار کتابداران فعال و منتقد، نمی‌توان آنها را مدافعان دموکراسی به حساب آورد، زیرا دموکراسی به‌عنوان مقوله‌ای تاریخی، نقد و تحلیل دائمی می‌طلبد تا به صورت فرایندی باثبات و در حال رشد درآید. دموکراسی وضعیتی مشخص و از پیش تعیین‌شده نیست و در نتیجه میزان دسترسی شهروندان به اطلاعات چندان اهمیت ندارد. از سوی دیگر، معمولاً تصور کتابداران از خود، عنصری «منفعل»^{۱۶} و بی‌تأثیر در ارتباطات اجتماعی و فرهنگی است. البته کتابداران مدعی هستند که بر ارتباطات اجتماعی تأثیرگذار هستند؛ اما از آنجا که این تأثیرگذاری توسط جامعه به‌خوبی درک نمی‌شود، به عناصری منفعل تبدیل شده‌اند. اگر^{۱۷} یکی از عوامل مؤثر در القای بی‌طرفی^{۱۸} کتابداران را ایدئولوژی اطلاع‌رسانی می‌داند و برای اثبات ادعای خود دلایل زیر را ذکر می‌کند:

(۱) کتابداران کمتر در مباحث داخلی دیگر رشته‌های علمی شرکت می‌کنند؛ و (۲) حرفه کتابداری خود را در ارتباط با ایدئولوژی نوع خاصی از جامعه استفاده‌کننده تعریف نمی‌کند

10. Information critic

11. Public intellectual

12. Information criticism

13. Paradoxical self-understanding

14. Civil courage

15. Black

16. Neutral agents

17. Agree

18. Neutrality

(۱: ۲۲۵-۲۳۰).

اگر معتقد است که اگر گرایش کتابداران به متون و نه اطلاعات باشد، این امر به مشارکت آنها در مباحث داخلی دیگر جوامع علمی منجر خواهد شد و باعث کاربرد آثار و متونی می‌شود که دارای تاریخ و ساختار مختص خود هستند. عناصر تشکیل‌دهنده یک رشته علمی، آثار و نوشتجات آن رشته است و کتابداران با در ذهن داشتن تاریخ و ساختار مربوط به هر رشته، از آن استفاده می‌کنند. با استناد به اطلاعات، کتابداران به فراسوی تاریخ و ساختار آثار توجه می‌کنند. بنابراین کتابداران بی‌نیاز از تعریف مرتبط با ایدئولوژی نوع خاصی از کاربران می‌شوند.

در صورتی که کتابداران خود را ملزم به شناسایی ارتباط با ایدئولوژی جوامع خاص می‌کردند، تحقق چنین امری امکان‌پذیر می‌شد و آنها از کنج عزلت بیرون آمده و به عناصر فعالی تبدیل می‌شدند که پیرامون جایگاه و ایدئولوژی حرفه خود در ارتباط با دیگر ایدئولوژی‌ها به بحث می‌پردازند.

چه عاملی باعث ایجاد این نگرش غرورآمیز در میان کتابداران شده است؟ در ادامه به این موضوع پرداخته می‌شود که کتابداران محصول یا بخشی از کدام سنت دانشگاهی هستند.

کتابداری و اطلاع‌رسانی حوزه‌ای است که به آموزش کتابداران می‌پردازد. به طور کلی این حوزه با تولید، توزیع، استفاده از دانش مدون، و نقش نظام‌های سازماندهی دانش در این زمینه ارتباط دارد. طرز فکر، ادراک،

گفت‌وگو، نگارش، و مطالعه کتابداران از این حوزه، با گفتمان رایجی که در طول دوره آموزشی با آن روبه‌رو بوده‌اند ارتباط مستقیم دارد. به بیانی دیگر، ایدئولوژی کتابداران را گفتمان شایع و مکاتب فکری موجود در دانشکده‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی تشکیل می‌دهد. امروزه تا حدود زیادی برنامه‌های آموزشی، متون حرفه‌ای، چشم‌اندازها، و تألیفات این حوزه آکنده از زبان مدیریتی و فنی است. پاولی^{۱۹} عقیده دارد که سبک رایج گفتمان کتابداری و اطلاع‌رسانی از زبان فنی و مدیریتی برای پرداختن به مسائل مدیریتی و فنی بهره می‌برد. این سبک گفتمان بر آثار علمی حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی سایه افکنده و ارتباط این حرفه را با دیگر رشته‌های دانشگاهی محدود کرده است (۱۲: ۴۲۲-۴۵۰). کورنلیوس^{۲۰} نیز به این مسئله اعتقاد داشته و می‌گوید:

«اگر حرفه کتابداری به دنبال آن است که خود را به عنوان عضوی از علوم اجتماعی مطرح کند، باید تا حدودی از زبان مشترک استفاده و خود را در مباحثات نظری مشابه درگیر کند. تصور اشتباهی است اگر بگوییم هیچ نوع مبحث نظری، روش، و فلسفه در علوم اجتماعی وجود ندارد یا چنین مباحثی در ارتباط با کتابداری و اطلاع‌رسانی نیست» (۵: ۶۱۲-۶۱۶).

کتابداری و اطلاع‌رسانی باید به کمک منطق و استدلال با دیگر حوزه‌های دانشگاهی ارتباط برقرار کند تا نقش و ارتباط خود را با فرهنگ و جامعه بیش از پیش نمایان کند.

19. Pawley

20. Cornelius

در غیر این صورت این حرفه به حوزه‌ای بی‌اهمیت تبدیل خواهد شد.

یکی از حوزه‌های اصلی کتابداری و اطلاع‌رسانی سازماندهی دانش است؛ حوزه‌ای آکنده از گفتمان مدیریتی و فنی. اندرسن^{۲۱} خاطر نشان می‌سازد که موضوع <مقالات فصلنامه سازماندهی دانش> (توسط مجمع بین‌المللی سازماندهی دانش^{۲۲} منتشر می‌شود)، از زمان انتشار در سال ۱۹۹۰، تا چه حد تحت تأثیر مسائل علمی و فنی بوده است (۲: ۴۱-۴۷). اخیراً مک لوین^{۳۳} در تحقیقی به بررسی گرایش‌های موجود در حوزه تحقیقات سازماندهی دانش پرداخته است. این گرایش‌ها عمدتاً از ماهیت فنی برخوردار بوده و با نظام‌های جهانی، نگاشت وازگان^{۲۴}، مسائل تعامل‌پذیری^{۲۵}، مشکلات سوگیری^{۲۶}، اینترنت و موتورهای جست‌وجو، جست‌وجوی منابع، اصطلاحنامه‌ها، و بازنمون دیداری^{۲۷} مرتبط هستند (۱۱: ۷۵-۸۶). این بررسی به وضوح نشان می‌دهد که گرایش‌های اخیر هیچ بحث یا پرس‌وجویی در مورد نقش فعالیت‌های سازماندهی دانش در جامعه و فرهنگ نداشته‌اند. در حال حاضر، نظام‌های سازماندهی دانش نمی‌توانند خود را به سهولت در این موضوع درگیر سازند؛ زیرا تا به حال گفتمانی که به نیازهای اطلاعاتی جامعه و فرهنگ اختصاص یافته

باشد، توسعه نیافته است. ماهیت مدیریتی و فنی رایج در گفتمان کتابداری و اطلاع‌رسانی، درگیر شدن در گفتمان حوزه عمومی را دشوار ساخته است. فقدان آشکار یک گفتمان اجتماعی منجر به مسئله‌ای می‌شود که اندرسن از آن به «تشریح اطلاعاتی»^{۲۸} یاد می‌کند.

«در صورتی که بر فنون، اصول یا روش‌های موجود متمرکز شویم، این خطر وجود دارد که فرایند سازماندهی دانش را به مثابه تشریح اطلاعات به دانشجویان، محققان، و عموم افراد جامعه عرضه کنیم» (۲: ۲۱۸-۲۱۹).

چنین دیدگاهی (تشریح اطلاعات) بر هر فعالیت انتقادی سرپوش می‌گذارد و توجه اذهان عمومی را از اهمیت بدیهی نیازهای جامعه و فرهنگ دور می‌سازد.

علاوه بر موارد فوق، متون درسی به قلم پدیدآورندگانی مانند هارتر^{۲۹} (۸)، لنکستر^{۳۰} (۹)، لارگ، تد و هارتلی^{۳۱} (۱۰)، و اسونونیوس^{۳۲} (۱۳) را می‌توان منابعی دانست که کاربرد زبان مدیریتی و فنی را در کتابداری و اطلاع‌رسانی تقویت می‌کنند و اصولاً کتاب‌های فنی بوده و به فنون، اصول، استانداردها، روش‌ها و قواعد توجه می‌کنند. در صورتی که بنیان دانش فردی را چنین منابعی تشکیل دهد، هیچ‌گونه نگرش انتقادی^{۳۳} در ذهن وی شکل نمی‌گیرد، زیرا

21. Andersen

22. International Society for Knowledge Organization (ISKO)

23. McIlwaine

24. Mapping vocabularies

25. Interoperability concerns

26. Problems of bias

27. Visual representation

28. Informational surgery

29. Harter

30. Lancaster

31. Large, Tedd & Hartley

32. Svenonius

33. Critical attitude

هیچ یک از این منابع نقش رفتار اطلاع‌یابی یا نظام‌های سازماندهی دانش را در جامعه و فرهنگ مورد سؤال قرار نمی‌دهند. این متون دانشجویان را با یک زبان، درک، و دانش که به آنها توانمندی مشارکت در گفتمان عمومی دیگر حوزه‌ها، پیرامون بحث در مورد مشروعیت و نقشمندی چنین نظام‌هایی را بیخشد، آماده نمی‌کنند. در بدترین حالت این متون دانشجویان را دچار این توهم می‌کنند که در صورت تبخیر یافتن در فنون و اصول به شخصی مهم و تأثیرگذار در جامعه تبدیل می‌شوند. اما کتابداران زمانی می‌توانند به عنصری ضروری و اجتناب‌ناپذیر در جامعه تبدیل شوند که دیگران به نقش حیاتی و سرنوشت‌ساز میان آنها (فراهم‌کنندگان خدمات اطلاع‌رسانی) و کاربران پی ببرند. کسی برای تبحر کتابداران در فنون یا اصول خاص اهمیتی قائل نمی‌شود؛ زیرا نشانه‌ای مبنی بر اینکه کتابداران در زندگی کاربران تغییری ایجاد کرده‌اند، به چشم نمی‌آید.

برای تبدیل شدن به عنصری مهم و تأثیرگذار در زندگی افراد جامعه، کتابداران ناگزیر از درگیری و مشارکت در گفتمان حوزه عمومی هستند. اما کتابداری و اطلاع‌رسانی با به‌کارگیری زبان فنی، گرایشی با این مضمون به دانشجویان القا می‌کند که شما چیزی برای از دست دادن ندارید، شما هیچ سهمی در این گفتمان ندارید، زیرا گفتمانی وجود ندارد. علاوه بر این، با به‌کارگیری استانداردها، فنون، اصول، و قواعد به منظور مشروعیت‌بخشی به یک عمل خاص، آن عمل توجیه نمی‌شود و بلکه در ورای آن

پنهان می‌شود. فن یک هویت نیست و در این صورت دیگران چگونه می‌توانند ما را به چشم افرادی مهم و مؤثر ببینند و باور کنند که ما عنصری اجتناب‌ناپذیر در زندگی آنها هستیم. استدلال نگارنده این است که دست‌یابی به چنین هویت شناخته‌شده‌ای تنها از رهگذر مشارکت و پرداختن به مسائل حوزه عمومی امکان‌پذیر است. دلایل فوق به وضوح نشان می‌دهد که چرا کتابداران خود را به چشم منتقدان اطلاع‌رسانی نمی‌بینند و مانند آنها عمل نمی‌کنند. با مرور تاریخ پرفراز و نشیب کتابداری و اطلاع‌رسانی این نکته آشکار می‌شود که گفتمان این رشته علمی بیشتر با مسائل تجویزی در ارتباط بوده تا مسائل توصیفی و تحلیلی. کتابداران در طول دوره آموزش دانشگاهی با نظریات، مکاتب فکری، رشته‌های دانشگاهی و دانش موردنیاز برای درگیر شدن در گفتمان حوزه عمومی آشنایی پیدا نمی‌کنند؛ زیرا این حرفه به دلیل استفاده از گفتمان فنی و مدیریتی خود را از جامعه و فرهنگ دور می‌سازد. با وجود این، شکی نیست که کتابداری و اطلاع‌رسانی علاقه دارد هویت اجتماعی و فرهنگی خود را افزایش دهد. از این منظر، کتابداری و اطلاع‌رسانی در پرورش منتقدان اطلاع‌رسانی و در نتیجه توسعه یک جایگاه انتقادی نسبت به موضوع (ابژه)‌های این رشته ناکام مانده است. در ادامه، آموزش منتقد اطلاع‌رسانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به سوی یک منتقد اطلاع‌رسانی

جامعه، واحد اصلی سازماندهی دانش

است. این بخش دارای حوزه‌ها و ساختارهای مختص به خود است که براساس علایق و منافع خاص سازمان یافته است (۷). در طول تاریخ، شکل‌گیری و توسعه جوامع به کمک عوامل گوناگون بشری صورت گرفته است. در مقابل، حوزه‌ها و ساختارها فعالیت بشری را شکل داده‌اند. بنابراین جامعه از اشکال مختلف دانش سازمان‌یافته و میانجی‌تشکیل شده که پس از تولید و توزیع مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جامعه و میانجیگری آن

سازمان‌های اجتماعی آفریننده مذهب، قانون، سیاست، علوم، اقتصاد، آموزش، هنر، تجارت، صنعت، و مدیریت هستند و آنها نیز به نوبه خود مدارک و اطلاعات مورد نیاز نهادهای پشتیبان و نگهدارنده ساختارهای اجتماعی و قدرت را تولید می‌کنند. این نهادها نیز به تولید و توزیع محمول‌های گوناگون از قبیل کتاب‌ها، مقالات، و مجلات علمی، قوانین، گزارشات، تفاهم‌نامه‌ها، تبلیغات، روزنامه‌ها، جزوات، و موقعیت‌های مختلف ارتباطی می‌پردازند و در نهایت از این طریق نظام‌های سازماندهی دانش را به وجود می‌آورند.

توصیف نحوه سازماندهی دانش و شکل‌گیری متن در بطن جامعه، که در سطور قبل به آن اشاره شد، قالب‌ها و لایه‌های سازماندهی دانش و میانجیگری آن را در جامعه نشان می‌دهد. تعاریف ارائه شده اگرچه ناقص و کمی دارای ابهام، اما کم و بیش

گویای این واقعیت است که اشکال جامع‌تر دانش سازمان‌یافته، نظام‌های سازماندهی دانش را تشکیل می‌دهند. برای اکثر کتابداران بخش حائز اهمیت جامعه جایگاهی است که دانش یا اطلاعات در انواع گوناگونی از محمول‌های اطلاعاتی عینیت می‌یابد، اشاعه پیدا می‌کند و نقشی است که نظام‌های سازماندهی دانش در قبال اشاعه دارند (که نشانه تأکید بر تأثیر بسزای اشاعه دانش بر جامعه است). در این صورت باید به هر نوع تحلیل و نقد نظام‌های سازماندهی دانش در ارتباط با اشکال و لایه‌های دانش سازمان‌یافته در جامعه پرداخت و آن را درک کرد. کتابداران نمی‌توانند نظام‌های سازماندهی دانش را به صورت ساختارهایی مجزا از ارتباطات کلی جامعه در نظر بگیرند. فعالیت کتابداری مستلزم درک این مسئله است که اسناد و مدارک چگونه به صورت اجتماعی سازمان می‌یابند؛ زیرا این گونه سازماندهی اجتماعی، نظام‌های سازماندهی دانش را نظم داده و تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کتابداران به عنوان منتقدان اطلاع‌رسانی، باید نقش خود را به گونه‌ای ایفا کنند که وارنیک^{۳۴} از آن به سواد انتقادی^{۳۵} یاد می‌کند؛ با این مضمون که: «توانایی فاصله گرفتن از متن و نقادانه دیدن فرایند اشاعه آن در شرایط اجتماعی گسترده‌تر و زمینه وقوع متن. تحقق این امر توانایی ژرف‌نگری سطح گفتمان و درک ایدئولوژی‌ها و دستورالعمل‌ها را شامل می‌شود» (۱۴).

همچنین نظام‌های سازماندهی دانش

- حداقل در مفهومی که از مشخصه‌های متنی (اجتماعی- بافتی) برای بازنمون و سازماندهی مدارک استفاده می‌کنند - نوعی متن به شمار می‌آیند. دیگر سخن اینکه، چنین نظام‌هایی در یک بافت و شرایط اجتماعی گسترده، اشاعه می‌یابند. بافت اجتماعی و شرایط وقوع متن، همان چیزی است که کارکرد نظام‌های سازماندهی دانش را تشکیل می‌دهد، نظام‌هایی که به بیانی شیوا در پاسخ به دیگر فعالیت‌ها، سازمان یافته و در جامعه شکل گرفته‌اند. منتقدان اطلاع‌رسانی باید تأثیر نظام‌های سازماندهی دانش را در جامعه تحلیل کرده و آن را با دیگر اشکال سازماندهی دانش - که به صورت فعالیت‌های اجتماعی نمایان می‌شوند - مقایسه کنند. نقد اطلاع‌رسانی مستلزم آن است که به لایه‌های زیرین دانش میانجی و سازمان‌یافته در جامعه توجه کنیم. چیزی که وارنیک از آن به سطح گفتمان^{۳۶} یاد می‌کند تا بر چگونگی کارکرد نظام‌های خاص سازماندهی دانش و مشاهده عوامل برانگیزاننده اشکال خاص دانش سازماندهی شده تأکید ورزد. سطح گفتمان کاربران را قادر به درک این موضوع می‌سازد که چگونه برای جست‌وجوی دانش یا اطلاعات، از چنین نظام‌هایی استفاده کنند و انتظارات آنها از این نظام‌ها چه می‌تواند باشد (این نظام‌ها قادر به چه کارکردی بوده و چه کارکردهایی از حیث آنها خارج است). کتابشناسی‌ها مثال خوبی برای ادامه این بحث هستند. تغییر ماهیت محمل‌های اطلاعاتی از چاپی به الکترونیکی و توزیع

دانش، به جدایی کتابشناسی از تاریخ طولانی اسناد و مدارک و نقش آنها در جامعه کمک کرده است. این مسئله باعث عدم آگاهی نسبت به نقش کتابشناسی در جامعه شده است. پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی بر پایه ایدئولوژی تفکیک استوار هستند و به نظر می‌رسد جایگزین جایگاه کتابشناسی‌ها به عنوان محمل‌هایی با تاریخ خاص که ریشه در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی دارند، شده‌اند. اگر در حوزه عمومی نتوان این موارد را تشخیص داده و درک کرد، تفهیم نقش نظام‌های سازماندهی دانش در جامعه و فرهنگ دشوار می‌شود. اگر کتابداران می‌خواهند به عنوان منتقد اطلاع‌رسانی ایفای نقش کنند، می‌توانند از طریق مشارکت در حوزه عمومی، بحث و تبادل نظر، توجه چرایی نظام‌های سازماندهی دانش و کارکرد این نظام‌ها و اهمیت آنها به ابهام‌زدایی از این نظام‌ها بپردازند. به بیان دیگر، کتابداران باید در مورد اهمیت نظام‌های سازماندهی دانش در جامعه به بحث پرداخته و نیز نشان دهند که این نظام‌ها چگونه فعالیت‌های حرفه‌ای و روزمره ما را تحت الشعاع قرار می‌دهند. کتابداران از این توانمندی برخوردارند و باید این امر را فعالانه از طریق نقد ساختارهای ارتباطی، که در بطن اجتماع رخ می‌دهند، تحقق بخشند. یکی از راه‌های تحقق این امر پرداختن به چنین نظام‌هایی در مجلات و روزنامه‌های عامه‌پسند و نه صرفاً متون تحقیقی است. در جهت نیل به این اهداف، کتابداران ناگزیر از توسعه یک واژگان و

گفتمان هستند که طبیعتاً فنی و مدیریتی نخواهد بود. کتابداران به عنوان منتقدان اطلاع‌رسانی، باید در خصوص تأثیر نظام‌های سازماندهی دانش در زندگی افراد جامعه به بحث و تبادل نظر بپردازند. چنین گفت‌وگویی به ایجاد یک تصور عام می‌انجامد مبنی بر اینکه نظام‌های سازماندهی دانش بخش مهمی (اگر نگوییم اجتناب‌ناپذیر) از جامعه و فرهنگ هستند. منتقدان اطلاع‌رسانی می‌توانند به درک فعالیت‌های گوناگون سازماندهی دانش در جامعه توسط عموم مردم و اینکه این فعالیت‌ها چگونه می‌توانند در درازمدت موجب سرکوبی یا پیشبرد اهداف دموکراتیک شوند، کمک شایانی کنند. البته کارکرد سازماندهی دانش باید از طریق آشکارسازی فعالیت‌های آن به شهروندانی که فعالیت اجتماعی آنها وابسته به دانش موجود در مدارک است، تعیین شود. تحقق این مسئله با بحث و تبادل نظر و گفتمان عمومی و نیز از طریق برقراری ارتباط مستقیم میان مسائل و مشکلات نظام‌های سازماندهی دانش با معضلات اجتماعی و فرهنگی میسر است. تنها در این صورت حوزه عمومی می‌تواند به ارزش‌های نهفته و کارکردهای نظام‌های سازماندهی دانش پی ببرد. در صورتی که عموم به این نکته واقف شوند که کارکرد نظام‌های سازماندهی دانش با مسائل اجتماعی و فرهنگی در ارتباط است، ممکن است در پی فهم چرایی کارکرد چنین نظام‌هایی برآیند و از این رهگذر مردم پی می‌برند که مانند

انواع دیگر اطلاعات، نظام‌های سازماندهی دانش ریشه در ایدئولوژی‌های خاص دارند. مسئولیت اصلی اجتماعی و فرهنگی منتقد اطلاع‌رسانی باید آگاه کردن جامعه درباره وجود ایدئولوژی‌های نهفته در نظام‌های دانش باشند.

آنچه درباره نظام‌های سازماندهی دانش گفته شده، چیزی بیش از ارزیابی صرف پایگاه‌های اطلاعاتی یا موتورهای جست‌وجو و ظرفیت‌های فنی آنها نبوده است. باید موجودیت چنین نظام‌هایی در جامعه و فرهنگ امروزه را به بوته نقد گذاشت. برای اولین بار نیست که نیاز به چنین مباحثی مورد تأکید قرار گرفته است. کمپل^{۳۷} در نقد کتاب ریچارد اسمیریگلیا^{۳۸} با عنوان <ماهیت یک اثر: الزاماتی برای سازماندهی دانش>^{۳۹} به این موضوع می‌پردازد (۴: ۱۰۷-۱۰۹). از نظر اسمیریگلیا هر اثر یک ساختار تاریخی است. کمپل نیز با نظری هم عقیده است و تأکید می‌کند که این عقیده مستلزم حساسیت بیشتری به فرایندهای اجتماعی است که تصور ما را از اثر شکل می‌دهند. با وجود این، کمپل این‌گونه استدلال می‌کند که این فرایندها در فهرست‌ها منعکس نمی‌شوند. چنین فرایندهایی را می‌توان در متون جامع‌تر و دقیق‌تر نظریه فرهنگی و اجتماعی یافت و یا این فرایندها از چنین کانالی حاصل می‌شوند. فراخوان کمپل در مورد متون نظریه اجتماعی و فرهنگی، به منظور فهم آن چیزی است که نظام‌های سازماندهی دانش، مانند

37. Campbell

38. Richard Smiraglia

39. The nature of "A Work": implications for the organization of knowledge

فهرست‌ها، بیان می‌کنند؛ یعنی بدانیم کارکرد فهرست‌ها چیست، و این راه دیگری برای تأکید بر اهمیت مرتبط ساختن مطالعات در سازماندهی دانش تا افق‌های گسترده نظری است، تا آگاهی و هشیاری عموم را در مورد این فعالیت افزایش دهیم.

از آنجا که نظام‌های سازماندهی دانش، به‌ویژه با ظهور اینترنت، به بخشی از زندگی روزمره و فعالیت بشر تبدیل شده‌اند، کتابداران متجددی مورد نیاز هستند که تجسم منتقد اطلاع‌رسانی باشند. به بیانی دیگر، ما بیش از هر زمان دیگر متکی به چنین نظام‌هایی هستیم، اما نیازمند بینش انتقادی نسبت به چرایی و چگونگی کارکرد این نظام‌ها نیز هستیم. در غیر این صورت، وابستگی ما به بردگی تبدیل خواهد شد و دیگر مشارکتی فعال نخواهد بود. بنابراین، تحلیل‌های انتقادی و نقد گرایش نظام‌هایی که وانمود می‌کنند ابزارهای پذیرفته شده‌ای^{۴۰} هستند، همواره ضروری است؛ زیرا آنها جامعه و فرهنگ را شکل می‌دهند و به نوبه خود به وسیله جامعه و فرهنگ شکل می‌گیرند. کتابداران امروز باید کتابشناسی‌ها، فهرست‌ها، دایرةالمعارف‌ها را نقد کنند، زیرا اینها ابزارهای حرفه‌ای کتابداران هستند و همه روزه به هنگام ایفای نقش میانجی میان جامعه و فرهنگ مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این صورت می‌توان کتابداران امروز را منتقد اطلاع‌رسانی نامید.

نتیجه‌گیری

این مقاله بر نقد اطلاع‌رسانی و منتقدان

اطلاع‌رسانی تأکید داشت. کتابداران اولین گروهی نیستند که به‌خاطر عدم ارائه یک نگرش انتقادآمیز نسبت به نظام‌های سازماندهی دانش مورد سرزنش قرار می‌گیرند. ریشه‌های این عقب‌ماندگی در آموزش حرفه‌ای آنها، یعنی کتابداری و اطلاع‌رسانی، قرار دارد. کتابداری و اطلاع‌رسانی را نمی‌توان حوزه‌ای دانست که عمیقاً با دیگر رشته‌های دانشگاهی مرتبط (که با مسائل اجتماعی و فرهنگی در ارتباط هستند) درگیر است. بنابراین، کتابداری و اطلاع‌رسانی از یک واژگان مشترک با رشته‌های علمی مرتبط بهره نمی‌برد. کتابداری و اطلاع‌رسانی به دنبال ایجاد گفتمان متافیزیکی مختص به خود است که تمایل به کاربرد زبان مدیریتی و فنی دارد. چنین زبان‌هایی باعث تحریک هشیاری و تحلیل انتقادی نمی‌شوند؛ زیرا در فاصله بسیار دور از موضوعات مورد بحثشان، قرار دارند. در واقع، زبان مدیریتی و فنی اغلب در مقابل نیازهای اساسی بشر قرار می‌گیرد و بیشتر با چگونگی انجام این فعالیت‌ها در ارتباط است تا توصیف و بحث نقادانه درباره چگونگی کارکرد نظام‌های سازماندهی دانش. کتابداران نمی‌توانند به عنوان منتقدان اطلاع‌رسانی به ایفای نقش پردازند، زیرا از واژگان مناسبی برخوردار نیستند. اگر کتابداران ادعا می‌کنند از لحاظ فرهنگی و اجتماعی مهم‌اند – که چنین هم ادعا می‌کنند – حتی در صورت عدم دارا بودن اهمیت فرهنگی و اجتماعی باید چارچوب استدلالی خود را تغییر دهند. به بیان دیگر، در صورتی که قرار باشد

40. Naturalized tools

No.2 (2002): 107-109

5. Cornelius, I. Review of "Current theory in library and information science". *Library Trends*, edited by William E McGrath. *Journal of Documentation*, Vol. 59, No.5 (2003): 612-615.

6. Gerhart, S. L. "Do Web search engines suppress controversy?". *First Monday*, Vol. 9, No.1 (2004). [on-line]. Available: http://firstmonday.org/issues/issue9_1/gerhart/index.html.

7. Habermas, J. "Structural transformation of the public sphere: an inquiry into a category of bourgeois society." Translated by Thomas Burger with assistance of Frederick Lawrence, 1996.

8. Harter, S. P. *Online information retrieval: concepts, principles and techniques*. [S.L]: Academic Press, 1986.

9. Lancaster, F. W. *Indexing and abstracting in theory and practice*. London: 3rd Edition. The Library Association, 2003.

10. Large, A.; Tedd, L. A.; Hartley, R. J. "Information seeking in the online age: principles and practice". K. G. Saur Verlag.

11. McIlwaine, I. C. "Trends in knowledge organization research". *Knowledge Organization*, Vol.30, No.2 (2002): 75-86.

کتابداران به عنوان منتقدان اطلاع‌رسانی عمل کنند، ناگزیر به درگیر شدن و پرداختن به مسائل حرفه‌ای خود در ارتباط با گفتمان عمومی هستند. تنها در این صورت است که ارزش واقعی آنها تشخیص داده شده و سنجیده می‌شود.

منابع

1. Agre, P. E. "Institutional circuitry: thinking about the forms and uses of information". *Information Technology and Libraries*, Vol.14, No.4 (1995): 225-230

2. Andersen, J. *Analyzing the role of knowledge organization in scholarly communication: an inquiry into the intellectual foundation of knowledge organization*. Copenhagen: Department of Information Studies, Royal School of Library and Information Science, 2004. [on-line]. Available: http://www.db.dk/dbi/samling/phd_dk.htm.

3. Black, A. "The victorian information society: surveillance, bureaucracy and public librarianship in nineteenth-century Britain". *The Information Society*, No.17 (2001): 63-80

4. Campbell, G. Review of "The nature "of a work": implications for the organization of knowledge". by Richard P. Smiraglia. Lanham, MD: Scarecrow Press, 2001. *Knowledge Organization*, Vol.29,

14. Warnick, B. *Critical literacy in a digital era: technology, rhetoric and the public interest*. Lawrence Erlbaum Associates, 2002.

15. Weisser, C. R. *Moving beyond academic discourse*. Composition Studies and the Public Sphere. [S.L]: Southern Illinois University Press, 2002.

12. Pawley, C. "Information literacy: a contradictory coupling". *Library Quarterly*, Vol. 73, No. 4 (2003): 422-452.

13. Svenonius, E. *The intellectual foundation of information organization*. Cambridge, Massachusetts, and London: MIT Press, 2000.

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۵/۳

